

بنام خداوند دانا و حکیم

آوا و صحنه نمایشنامه های رادیویی / صحنه ای

محمد رضا شهبانی نوری



انتشارات نظری

عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک
 وضعیت فهرست‌نویسی
 موضوع

آوا و صحنه نمایشنامه های رادیویی/صحنه ای/ محمد رضا شهبانی نوری.
 تهران : انتشارات نظری، ۱۴۰۵
 ۱۲۸/ص:۱۴× ۵/۲۱× ۵/س م.
 ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۵-۳۵۹-۸
 فیپا
 نمایشنامه رادیویی فارسی -- قرن ۱۵
 نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۵

رده بندی کنگره
 رده بندی دیویی
 شماره کتابشناسی ملی

PIR۸۳۴۹
 ۸۴۲/۶۲
 ۱۰۵۵۰۱۳۷

نام کتاب : آوا و صحنه نمایشنامه های رادیویی /صحنه ای
نام نویسنده: محمد رضا شهبانی نوری
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵
شمارگان : ۵۰

« کلیه حقوق مادی ، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ ناشر می باشد »

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج) ، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی (یوسف آباد) ،

نبش خیابان فتحی شقاقی ، جنب بانک سپه پلاک ۳۲ ، طبقه ۲ ، واحد ۱۷

E-mail: nazaribook@yahoo.com

www.nashrenazari.com



انتشارات نظری

تلفن : ۸۸۱۰۲۷۷۵
 همراه : ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

فهرست مطالب



۵.....	درباره نویسنده.....
۷.....	مقدمه.....
۱۱.....	یکدله‌ها.....
۲۷.....	دارالفنون.....
۴۵.....	قاب امیر.....
۸۵.....	تلگرافخانه.....

«درباره نویسنده»

محمدرضا شهبانی نوری، نویسنده، فیلم‌ساز و مدرس دانشگاه است. او فارغ‌التحصیل رشته نویسندگی رادیو از دانشگاه صدا و سیما و در رشته فیلم‌سازی با گرایش تدوین، عکاسی و فیلم‌برداری نیز تحصیل کرده و دوره کارگردانی را در انجمن سینمای جوانان ایران گذرانده است. او از پیشینه‌ای غنی در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی برخوردار است؛ و در سال‌های اخیر، در مقام استاد دانشگاه، با نسل‌های تازه‌نفس در عرصه هنر و روایت همراه بوده است.

در عرصه بازیگری، کارنامه‌ای متنوع دارد؛ از حضور در سریال تلویزیونی فکر پلید (به کارگردانی محسن شامحمدی) تا فیلم‌های سینمایی درخت گلابی (داریوش مهرجویی)، عشق طاهر (محمدعلی نجفی) و پروین (محمدرضا ورزی) و نیز نمایش صحنه‌ای جگر هندی بر صحنه تماشخانه سنگلج.

به‌عنوان کارگردان، بیش از پانزده فیلم داستانی و مستند در کارنامه دارد که بسیاری از آن‌ها در جشنواره‌های ملی مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. وجه شاخص کارنامه هنری او، گرایش به روایت‌های مستند-دراماتیک و کاوش در لایه‌های پنهان تاریخ معاصر ایران است؛ رویکردی که در نمایشنامه‌های یک‌دله‌ها، دارالفنون، قاب امیر و تلگرافخانه با زبانی زنده و انسانی جلوه یافته است.

او همچنین نویسنده مقاله پژوهشی «بررسی نقش شرایط فرهنگی-اجتماعی بر نگارش فیلمنامه‌های کوتاه دهه نود در ایران» است؛ پژوهشی در امتداد دغدغه‌های اجتماعی و زیبایی‌شناختی آثارش.

مقدمه

در روایت تاریخ ایران، برخی نام‌ها نه از آن‌رو ماندگار شده‌اند که در قدرت بوده‌اند، بلکه به این سبب که در بزنگاه‌های تاریخی، بار آرزوهای جمعی مردمان را بر دوش کشیده‌اند. آرزوهایی که در سه سده اخیر، با همه فراز و فرودها، چهره‌ای مشترک داشته‌اند: عدالت، آزادی و استقلال. این سه خواست، همچون ریشه‌های پنهان درختی کهن، از دلِ حادثه‌ها گذشته‌اند و هر بار در هیئتی تازه ظهور کرده‌اند؛ گاه در تقابل با استبداد داخلی، گاه در تمنای دانایی و نوسازی، و گاه در ایستادگی در برابر سلطه بیگانه. از قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر، تا شاهدان خاموش یک حذف سیاسی در «قاب امیر» و سپس کنشگران سیاسی و اداری عصر مشروطه، همگی در لحظه‌هایی ایستاده‌اند که یک پرسش مشترک را پیش می‌کشد: راه گشودن به عدالت، آزادی و استقلال، در هر مقطع تاریخی، از کدام گذرگاه ممکن می‌شود؟

نخستین نمایشنامه این مجموعه، به واپسین روزهای قائم‌مقام فراهانی می‌پردازد؛ روزهایی که در آن، سیاست در همسایگی مرگ قرار می‌گیرد و حذف، بی‌آنکه خون بر زمین بریزد، صورت می‌پذیرد. این روایت، بیش از آن‌که دیده شود، شنیده می‌شود؛ جهان آن از گفت‌وگو، فرمان، نجوا و سکوت ساخته شده است. آنچه حذف می‌شود، نه فقط یک فرد، بلکه صدایی است که دیگر مجال شنیدن نمی‌یابد.

اثر دوم، «دارالفنون»، به امیرکبیر و رؤیای استقلال از مسیر دانایی و نوسازی می‌پردازد؛ جایی که اصلاح، نه در میدان جنگ، بلکه در آموزش و

ساختن نهاد علمی جست‌وجو می‌شود. اینجا نیز تاریخ از مسیر صدا و روایت شنیداری پیش می‌رود؛ گویی پیش از آن‌که به تصویر درآید، باید در گوش جامعه طنین بیندازد.

در این دو اثر نخست، صدا نه فقط ابزار روایت، بلکه میدان اصلی تخیل است. تاریخ به تصویری واحد و تثبیت‌شده تقلیل نمی‌یابد؛ هر مخاطب، بر اساس حافظه، تجربه و زیست خود، جهان نمایش را در ذهن می‌سازد. به این معنا، روایت تاریخی در این نمایشنامه‌ها نه تحمیل می‌شود و نه بسته می‌ماند؛ بلکه به اندازه شمار شنوندگان، امکان بازآفرینی پیدا می‌کند و حقیقت، در میان این تصویرهای ذهنی شکل می‌گیرد.

این نگاه به تاریخ، برخاسته از یک مواجهه پژوهشی شخصی با مسئله تخیل در روایت تاریخی است؛ مواجهه‌ای که در قالب پایان‌نامه نویسنده و در دانشگاه صدا و سیما، بر نقش تخیل در نویسندگی نمایش‌های مستند تاریخی، به‌ویژه در رسانه رادیو، متمرکز بوده است. در این مسیر، پرسش از جایگاه حقیقت تاریخی، نه از دل تجربه‌ای انباشته، بلکه از دل گفت‌وگویی میان سند، روایت و امکان‌های تخیل شکل گرفته است؛ گفت‌وگویی که می‌کوشد به واقعه نزدیک شود، بی‌آن‌که آن را به تصرف خود درآورد.

دو نمایشنامه دیگر این مجموعه، «قاب امیر» و «تلگرافخانه»، تاریخ را به سطح دیدن، تقابل صحنه‌ای و مواجهه عینی می‌کشانند. در این آثار، بدن، فضا، نور و حضور زنده بازیگر، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری معنا دارد و تاریخ، به امری مواجهه‌پذیر بدل می‌شود.

در «قاب امیر»، این مواجهه با تاریخ شکلی فاصله‌گذارانه و متاثراتی به خود می‌گیرد. روایت در اندرونی قصر می‌گذرد؛ جایی دور از مرکز رسمی قدرت، که تاریخ نه از منظر فرمانروایان، بلکه از خلال وجدان، حافظه و اعتراض سرکوب‌شده زنان بازخوانی می‌شود. پیشخدمت قصر، به‌عنوان راوی، در مرزی میان روایت و اجرا ایستاده است و دیگر شخصیت‌ها نیز، در روند نمایش، از نقش‌های تاریخی بیرون می‌آیند و در هیئت بازیگر آگاه از تاریخ ظاهر می‌شوند. این خروج آگاهانه از نقش، به‌جای بازسازی واقع‌گرایانه واقعه، تماشاگر را به تأملی انتقادی درباره سازوکار حذف، لعن و تداوم قدرت دعوت می‌کند؛ جایی که تاریخ نه بازگفته می‌شود و نه صرفاً بازنمایی، بلکه در فاصله میان اجرا و داوری معلق می‌ماند.

«تلگرافخانه» تاریخ را به میدان کنش جمعی و آشکار می‌آورد؛ جایی که حقیقت دیگر زمزمه یا خاطره نیست، بلکه خبری است که باید مخابره شود، یا عامدانه به تعویق افتد. در این نمایشنامه، تقابل قدرت و حقیقت در دل ساختار اداری و بوروکراتیک شکل می‌گیرد و حذف، این‌بار نه در خلوت، که در هیئت فرمان، صورت‌جلسه و تأخیر آگاهانه عمل می‌کند.

آنچه این چهار نمایشنامه را به یکدیگر پیوند می‌زند، نه صرفاً توالی تاریخی، بلکه حضور پیوسته حذف به‌عنوان سازوکاری پنهان در تاریخ است: حذف قائم‌مقام در سکوت، حذف امیرکبیر در خلوت، حذف صدا در قاب تصویر، و حذف حقیقت در سازوکار اداری و مخابره خبر. در هر بار، آنچه باقی می‌ماند، نه خود واقعه، بلکه ردّ آن است؛ ردّی که در صدا، بدن، خاطره یا سند، سرباز می‌کند و وجدان تاریخی را به پرسش می‌کشد.

این مجموعه، به‌جای آن‌که تاریخ را تفسیر کند، صحنه‌ها و لحظه‌های تاریخ را پیش چشم و گوش مخاطب قرار می‌دهد؛ لحظه‌هایی که در آن‌ها شخصیت‌ها ناگزیر به انتخاب‌اند و خط باریکی میان مصلحت قدرت و حقیقت جمعی کشیده شده است. تخیل نویسنده در بازآفرینی این بزنگاه‌ها، نه برای افزودن بر واقعیت، بلکه برای آشکارتر کردن جان‌مایه آن‌ها به‌کاررفته است؛ لحظه‌هایی که انسان میان امنیت فردی و مسئولیت تاریخی، راهی دشوار پیش رو دارد.

چهار نمایشنامه حاضر، اگرچه از مقاطع مختلف تاریخ ایران سخن می‌گویند، اما مسیری مشترک را دنبال می‌کنند؛ مسیری که در آن، عدالت، آزادی و استقلال، هر بار در شکلی تازه و در میدانی متفاوت آزموده می‌شود. این کتاب، دعوتی است به بازخوانی این مسیر؛ مسیری که تاریخ را نه به‌مثابه مجموعه‌ای از وقایع بسته، بلکه به‌عنوان میدان کشمکش مداوم انسان و قدرت پیش روی مخاطب می‌گذارد.

نمایش نامه رادیویی

«یکدله‌ها»

قائم مقام فراهانی

نویسنده: محمدرضا شهبانی نوری



شخصیت‌ها:

محمد شاه

جهان خانوم

قائم مقام

نواب والا

میرزا آقاسی

کربلایی قربان

گوینده

(ساری اصلان)

